درمکتب امام

پیش دشمن دست دراز نکنید

ما اگر خودمان یک امر ناقص هم داشته باشیم، بهتر از این است که [پیش] دشمن‌مان دست دراز کنیم و یک امر کامل از آنها بگیریم. من متأسفم از اینکه ما پیش دشمن‌هامان باید برویم و اظهار احتیاج بکنیم.

صحیفه امام؛ ج۱۰؛ ص۴۳۹ | قم؛ ۱۱ آبان ۱۳۵۸

در بیانیه نمایندگان مجلس مطرح شد

سکوت در برابر وضعیت غزه جنایت علیه تمام بشریت است

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای تاکید کردند: سکوت آشکار جهانی در برابر نسل‌کشی در غزه، جنایتی علیه تمام بشریت و لکه ننگی بر پیشانی ابدی جامعه جهانی خواهد بود.

روح‌الله متفکرآزاد، عضو هیئت‌رئیسه مجلس در جلسه علنی روز سه‌شنبه (۳۱ تیرماه) مجلس شورای اسلامی، بیانیه نمایندگان مجلس در مورد نسل کشی در غزه و جلوگیری رژیم صهیونیستی از ارسال کمک‌های انسانی و امدادی به مردم بیگناه غزه را قرائت کرد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: ما قاطعانه اعلام می‌کنیم که ادامه این وضعیت غیرقابل توجیه و سکوت آشکار جهانی در برابر این نسل‌کشی جنایتی علیه تمام بشریت و لکه ننگی بر پیشانی ابدی جامعه جهانی خواهد بود، ما امروز با قلبی آکنده از غم و اندوه به یک فاجعه انسانی بی‌سابقه در غزه گواه می‌دهیم و از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی به عنوان صدای بیش از یک میلیارد مسلمان در جهان انتظار داریم در سایه وحدت و همبستگی با عزم راسخ و بسیج ظرفیت‌های دیپلماتیک انسانی و مالی زمینه لازم را برای رفع محاصره، تضمین امنیت غذایی و کمک‌های فوری به مردم غزه ایجاد نموده و با تلاش مشترک راه حلی پایدار برای پایان دادن به این فاجعه عظیم انسانی بیابد.

لزوم توجه جدی به شبکه ملی اطلاعات

خبر دیگر اینکه، محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی دیروز، بعد از ارائه گزارش وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات درباره ارتباطات و ارتقای امنیت شبکه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ارائه برنامه‌های آن وزارتخانه در جهت تکمیل شبکه ملی اطلاعات و حمایت و جهش کسب‌وکارهای دیجیتال، گفت: در جلسه شورای عالی فضای مجازی مطرح کردم که ما یک مسئله اساسی و مبنایی در حوزه فناوری داریم که مهم‌ترین اولویت ماست و این اولویت حدود ۱۴ سال قبل در شورای عالی فضای مجازی از سوی رهبری ابلاغ شد که موضوع سیستم عامل بومی و بحث شبکه ملی اطلاعات است. اگر به این موضوع توجه نکنیم، با عنایت به قدرت‌ها، رقابت‌ها و دشمنانی که وجود دارد، نمی‌توانیم مسائل خود را حل کنیم.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

غلط زیادی ترامپ پس از التماس برای آتش‌بس

سرویس سیاسی-

در حالی که اسناد رسمی از التماس آمریکا برای آتش‌بس پرده برداشته‌اند، ترامپ در فراری رو به جلو، بار دیگر ایران را تهدید به حمله کرد؛ تهدیدی نخ‌نما از سوی رئیس‌جمهوری که هنوز از ضربه موشکی ایران به العدید به خود نیامده و به‌دروغ، شکست را پیروزی جا می‌زند. اما این‌بار، ایران آماده است؛ هر تجاوزی، پاسخی کوبنده‌تر خواهد داشت.

صبح روز سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۴، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا که این روزها بیش از همیشه گرفتار جنون قدرت و زوال سیاسی شده، بار دیگر در نمایشی مضحک و فرار به جلویی دیگر، ایران را به هدف قرار دادن مجدد تأسیسات هسته‌ای تهدید کرد. این تهدید پس از آن صورت گرفت که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، در گفت‌وگویی با شبکه آمریکایی «فاکس‌نیوز» از آمادگی برای مذاکره خبر داد.

اما ترامپ بار دیگر دچار توهم شد و تهدیدهای خود را تکرار کرد. تهدیدهایی که بیش از آن‌که جدی گرفته شوند، نشانه‌ای از استیصال، فرار از شکست، و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر تحقیرهای پیاپی آمریکا در منطقه است.

از «گزینه‌های روی میز» تا تماس‌های شبانه برای آتش‌بس

اوضاع و احوال امروز آمریکای زخم‌خورده و رژیم صهیونیستیِ لِه شده به‌خوبی نشان می‌دهد که آن همه عربده‌کشی و رجزخوانی، چیزی جز توهم خودساخته نبوده است. دولت تروریستی که همیشه از «گزینه‌های روی میز و اقدام پیروزمندانه» می‌گفت، در نهایت در سکوت سرد پنتاگون، به تماس‌های نیمه‌شب و واسطه‌تراشی از راه دوحه پناه برد. این همان آمریکایی است که رسانه‌های غربی و دنباله‌های داخلی‌اش می‌کوشیدند تصویری شکست‌ناپذیر از آن بسازند.

بلافاصله پس از این ضربه قاطع، همان کاخ سفیدی که تا پیش از آن، دم از «گزینه‌های روی میز» می‌زد، به گدایی آتش‌بس افتاد. آن‌طور که «محمد بن عبدالرحمن آل ثانی» وزیر خارجه قطر در نشست مطبوعاتی مشترک با همتای لبنانی خود فاش کرد، «دونالد ترامپ، پس از حمله موشکی ایران به پایگاه العدید، شخصاً با امیر قطر تماس گرفت و خواستار تماس فوری با ایران برای بررسی امکان آتش‌بس شد.»

این سند رسمی، نه‌تنها پرده از چهره واقعی آمریکا برداشت، بلکه مشت صهیونیست‌ها و متحدان جنگ‌طلبشان را هم باز کرد. التماس برای آتش‌بس، آن هم از کشوری که مدعی ابرقدرتی است، سندی روشن از فلج شدن ساختار نظامی- امنیتی اسرائیل و غرب پس از تنها ۱۲ روز نبرد نفسگیر و شجاعانه فرزندان ملت ایران با جنایتکارترین موجودات روی زمین بود.

آن‌چه در نشست مطبوعاتی وزیر خارجه قطر افشا شد، سندی بی‌چون‌وچرا بر پایان اسطوره «قدرت آمریکا» در منطقه است. وقتی دونالد ترامپ، که ادعا دارد بزرگ‌ترین ارتش جهان را فرماندهی می‌کند، پس از تنها یک حمله موشکی آن‌چنان به هم می‌ریزد که برای کسب آتش‌بس التماس می‌کند، چه جای تردید باقی می‌ماند که ماشین جنگی اسرائیل و آمریکا از نفس افتاده است؟

پاسخ موشکی ایران به العدید، تنها گوشه‌ای از قدرت بازدارندگی ما بود؛ پیامی روشن، قاطع و غیرقابل تحریف برای همه آنان که خیال تجاوز در سر دارند: بازی با امنیت ایران، با آتش بازی‌کردن است، و هر دستی که به این آتش نزدیک شود، سوختن سرنوشت حتمی‌اش خواهد بود.

و اکنون، آن‌گونه که اسناد دیپلماتیک آشکار می‌کنند، این طرف آمریکایی و متحدان صهیونیست او هستند که به در بسته خورده و دنبال روزنه‌ای برای فرار از بحران می‌گردند.

التماس برای آتش‌بس پس از چند روز نبرد، نه‌تنها شکست آشکار نظامی بود، بلکه نشانه پایان یک دوره از رجزخوانی‌های پوشالی و رو به افول رفتن هیمنه ساختگی آمریکاست.

فرار رو به جلوی دیوانه کاخ سفید

ترامپ که در میان محافل سیاسی داخلی و خارجی به «دیوانه کاخ سفید» مشهور شده، این روزها بیش از همیشه در تلاش است با دروغ‌پردازی و فرافکنی، شکست‌های پی‌درپی خود را لاپوشانی کند. او در واکنش به حمله ایران به پایگاه العدید، مدعی شد که «تمامی موشک‌های ایرانی رهگیری شده و هیچ آسیبی به پایگاه نرسیده است»! اما تصاویر ماهواره‌ای منتشرشده توسط رسانه‌های غربی، از جمله خود آمریکا، نه‌تنها این دروغ را افشا کرد، بلکه نشان داد که تجهیزات ارتباطی و راداری ارتش آمریکا در العدید به طور کامل منهدم شده‌اند.

این تنها مورد نیست. در حمله جنایت‌بار آمریکا به مراکز هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان، ترامپ با ژست مضحک فاتحان، مدعی نابودی کامل توان هسته‌ای ایران شد، اما گزارش‌های بعدی رسانه‌هایی نظیر نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست، سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی همگی به ناکامی این حمله اذعان کردند. شکست سنگین در میدان و رسوایی در عرصه دیپلماسی، حالا ترامپ را به نقطه‌ای رسانده که به هر ریسمان پوسیده‌ای چنگ می‌زند.

کاربران آمریکایی: ترامپ برای فرار از رسوائی جنسی، ایران را تهدید کرد

کاربران آمریکایی پس از تهدید ترامپ علیه کشورمان دلیل آن را به موضوعات داخلی آمریکا مرتبط کرده‌اند.

فعالان آمریکایی فضای مجازی، تهدید ترامپ برای حمله مجدد به ایران را گریزی برای رئیس‌جمهور آمریکا برای منحرف کردن افکار عمومی در این کشور از پرونده جنسی خود در ماجرای اپستین توصیف می‌کنند.

کاربران در ایکس با پافشاری بر متهم بودن ترامپ در پرونده رسوائی جنسی اپستین، تاکید می‌کنند اسرائیل و موساد با در دست داشتن لیست شرکای جنسی جفری اپستین، از این موضوع به سود منافع خود سوءاستفاده کرده و از رئیس‌جمهور آمریکا اخاذی می‌کنند.

همچنین کاربران با اشاره به پاسخ سخت ایران در جنگ ۱۲ روزه علیه این کشور و حمله ایرانی‌ها به پایگاه‌های آمریکا در غرب آسیا به ترامپ هشدار داده‌اند که در صورت عملی کردن هرگونه حمله علیه ایران، باید عواقب آن را نیز بپذیرد.

سهو لسان عراقچی

در این میان اما، باید با تأسف به نکته‌ای مهم نیز اشاره کرد: انتخاب شبکه آمریکایی «فاکس‌نیوز» و نوع ادبیات و واژگان به‌کار رفته توسط آقای عراقچی، سهو لسانی و برخی مواضع نرم، نه‌تنها باعث تاثیر بر طرف آمریکایی و موفقیت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای نشد، بلکه موجب گستاخی بیشتر ترامپ شد.

در شرایط حساس جنگ روانی و نبرد رسانه‌ای، انتخاب بستر مناسب و استفاده دقیق از واژگان، اهمیتی دوچندان می‌یابد. باید اذعان کرد که برخی از تعابیر و فضاسازی‌های انجام‌شده در آن مصاحبه، مورد سوءبرداشت طرف متخاصم قرار گرفت.

دشمن، به‌ویژه وقتی در موضع ضعف قرار دارد، همواره مترصد آن است تا کوچک‌ترین تعابیر و نکات را به‌نفع خود مصادره کرده و بر طبل جنگ روانی بکوبد. رفتار اخیر ترامپ، و واکنش که با چنگ زدن به همین سخنان تلاش کرد خود را از چاه تحقیر و شکست بیرون بکشد، بهترین شاهد بر این مدعاست.

در این شرایط، ضروری است دستگاه سیاست خارجی کشور، با تمام توان، هوشمندی و هماهنگی بیشتری در میدان نبرد رسانه‌ای حاضر شود. طرف آمریکایی، در موقعیتی نیست که از موضع اقتدار سخن بگوید؛ بنابراین هرگونه برداشت غلط از مواضع جمهوری اسلامی ایران باید بلافاصله و با قاطعیت تصحیح شود تا هیچ جایی برای سوءاستفاده باقی نماند.

در روزهایی که زبان تهدید، بار دیگر از دهان دیوانه‌ای چون ترامپ بیرون آمده، ما باید بیش از پیش هوشیار باشیم که دشمن، هیچ‌گاه از درک حسن نیت سوءاستفاده نمی‌کند، بلکه تنها از موضع قدرت و صلابت، زبان ما را می‌فهمد. پس راهبرد امروز، نه نفی دیپلماسی، بلکه صیانت از آن با تکیه بر اقتدار ملی و شفافیت موضع است.

عراقچی در بخشی از مصاحبه با فاکس‌نیوز در اظهارنظری تأمل برانگیز گفته است «محو کردن اسرائیل از نقشه جهان، هیچ‌وقت سیاست ایران نبوده است.»!. این در حالی است که امام خمینی(ره) فرموده بودند:«اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود.»

رهبر معظم انقلاب نیز- ۱۸ شهریور ۱۳۹۴- در دیدار اقشار مختلف مردم، در پاسخ به زیاده‌گویی سران رژیم صهیونیستی فرمودند: «بعد از اتمام این مذاکرات هسته‌ای، شنیدم صهیونیست‌ها گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد، تا ۲۵ سال از دغدغه‌ی ایران آسوده‌ایم؛ بعد از ۲۵ سال فکرش را می‌کنیم. بنده در جواب عرض می‌کنم اوّلاً شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان‌شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدّت هم روحیّه اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت؛ این را بدانند.»

عراقچی همچنین در بخشی از این مصاحبه گفته است«پیام من به ایالات متحده این است که بیایید راه‌حلی مبتنی بر مذاکره برای برنامه هسته‌ای ایران پیدا کنیم.»!

در بخش دیگری از مصاحبه، عراقچی تاکید کرده که «ما سیاستی برای ترور هیچ فردی در خارج از کشور نداریم، چه رسد به رئیس‌جمهور کشور دیگر...» این اظهارنظر تأمل‌برانگیز در حالی است که مسئله ما و ترامپ و نتانیاهو، بحث ترور نیست، بلکه مسئله این است که این دو، مرتکب جنایت و ترور شده‌اند. ترامپ و نتانیاهو، عنوان مفسد فی‌الارض و محارب هستند، چراکه قاتل هزاران مسلمان هستند. این مسئله‌ای است که مراجع تقلید در هفته‌های گذشته نیز بر آن تاکید کردند.

هشدار روشن: هر تجاوزی پاسخ سنگین‌تر خواهد داشت

ترامپ باید این پیام را با وضوح بشنود: اگر بار دیگر جسارت تجاوز به خاک ایران را داشته باشید، پاسخ این بار نه صرفاً موشک به العدید، که فراتر از آن، ضرباتی خواهد بود که پایه‌های حضور آمریکا در منطقه را به لرزه خواهد انداخت. این بار، خون سربازان آمریکایی به جای نفت از چاه‌ها خواهد جوشید و مالیات‌دهندگان آمریکایی تاوان حماقت رئیس‌جمهورشان را با بحران اقتصادی خواهند داد.

افکار عمومی جهانیان نیز بیش از هر زمان دیگری نسبت به نقش آمریکا در بحران‌های جهان آگاه شده‌اند. دیگر نمی‌توان جنایات جنگی را با کلمات خوش‌رنگ و لعاب پوشاند. نسل جوان در اروپا و آمریکا، جنگ نمی‌خواهد. سربازان آمریکایی، خسته‌اند. جامعه آمریکا در آستانه انفجار است و هریک از ماجراجویی‌های ترامپ در خاورمیانه، تنها شعله‌ای دیگر در انبار باروت داخلی آمریکاست.

ایران، آن‌چنان که همیشه نشان داده، نه آغازگر جنگ است و نه مروج خشونت. اما اگر مجددا جنگی تحمیل شود، پاسخ ایران نه‌تنها دفاعی، بلکه با چنان هزینه‌ای برای دشمن همراه خواهد بود که دهه‌ها از آن به عنوان کابوس تاریخ نظامی آمریکا یاد خواهند کرد.

اسرائیل؛ شیطان کوچک، هدف بزرگ

در این معادله، رژیم جعلی، غاصب و کودک‌کش صهیونیستی نیز جایگاه مشخصی دارد. جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه موجودیت پلید و جنایت‌بار رژیم صهیونیستی را به رسمیت نخواهد شناخت و از هیچ تلاشی برای ضربه به این غده سرطانی فروگذار نخواهد کرد. شدت جنایت‌های اسرائیل در ماه‌های اخیر، نه‌تنها موجب عقب‌نشینی نخواهد شد، بلکه اراده انتقام را در ایران اسلامی تقویت کرده است.

در عین حال، همان‌گونه که بارها اعلام کرده‌ایم، جمهوری اسلامی ایران هیچ مشکلی با یهودیان ندارد و تنها راه‌حل نهائی مسئله فلسطین را رجوع به آرای عمومی ساکنان اصیل این سرزمین اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی می‌داند. اما آیا آمریکا و اروپا که شب و روز دم از دموکراسی می‌زنند، حاضر به پذیرش این همه‌پرسی هستند؟ پاسخ مشخص است: نه. چون می‌دانند نتیجه آن، پایان حیات اسرائیل خواهد بود.

غرب و حمایت کورکورانه از رژیمی که برایشان فقط ضرر دارد

با وجود آنکه بارها و بارها ثابت شده رژیم صهیونیستی نه‌تنها عامل بی‌ثباتی در منطقه بلکه منشأ مستقیم بسیاری از بحران‌های جهانی و امنیتی در غرب آسیاست، اما همچنان دولت‌های مدعی دموکراسی، از جمله آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه، با سماجتی عجیب و خیره‌سرانه، به حمایت‌های کورکورانه و بی‌منطق از این رژیم ادامه می‌دهند.

کشورهای مدعی لیبرال دموکراسی و اقتصاد سرمایه‌داری و سودمحور چگونه می‌توانند حمایت‌های غیرمنطقی خود از اسرائیل که هیچ سود اقتصادی و سیاسی برای آنان نداشته و ندارد را بر اساس اصول سرمایه‌داری توجیه کنند؟

اسرائیل در تمام دهه‌های گذشته، نه تنها هیچ دستاورد استراتژیکی برای غرب نداشته، بلکه بارها و بارها آنها را به‌دنبال خود به باتلاق بحران‌های سیاسی، جنگ‌های بی‌سرانجام، فشار افکار عمومی جهانی و حتی انزجار داخلی در کشورهای خودشان کشانده است. افکار عمومی جهان، دیگر فریب نمی‌خورد. امروز در قلب پایتخت‌های اروپایی، صدای اعتراض به جنایات اسرائیل بلند شده، در دانشگاه‌های آمریکا، دانشجویان به نشانه همبستگی با مردم فلسطین چادر می‌زنند، و در خیابان‌های لندن و برلین، شعار مرگ بر اسرائیل طنین‌انداز است.

اما علی‌رغم تمام این هزینه‌ها، دستگاه سیاست خارجی آمریکا و متحدانش همچنان با وقاحتی بی‌سابقه، چشم خود را بر جنایات تل‌آویو می‌بندند و حتی در شورای امنیت، قطعنامه‌های علیه کودک‌کشی‌های اسرائیل را وتو می‌کنند! چرا؟ چون رژیم صهیونیستی نه یک بازیگر مستقل، بلکه بخشی از بدنه نامرئی امپراتوری مالی- سیاسی غرب است که برای بقا و گسترش خود، خون‌ریزی و بحران‌آفرینی را ابزار بقا قرار داده.

حتی زمانی که اسرائیل، مستقیماً منافع غرب را تهدید می‌کند، این حمایت‌ها ادامه دارد، این حمایت نه از سر منطق است، نه به‌خاطر امنیت، بلکه ناشی از یک لابی و نفوذ گسترده ثروتمندان یهودی صهیونیست است که تا بن استخوان ساختارهای قدرت در غرب نفوذ کرده است.

زمان حساب‌کشی نزدیک است و پشتیبانی از رژیمی که نفس‌های آخر خود را می‌کشد، جز تحقیر تاریخی و ضرر راهبردی برای غرب، هیچ ثمری نخواهد داشت.

خوی استکباری آمریکا با مقاومت شکسته می‌شود

مقاومت، تنها زبان قابل فهم برای آمریکا و متحدانش است. هر جا که از موضع عزت و قدرت صحبت کرده‌ایم، عقب‌نشینی کرده‌اند و هرجا که حتی از سر نیت خیر، اندکی نرمش نشان داده‌ایم، گستاخ‌تر شده‌اند. اکنون زمان آن است که دیپلماسی عزتمند، هم‌راستا با بازوی نظامی و اراده انقلابی، در میدان حاضر شود و اجازه ندهد دشمن از سهو لسانی‌ها، تحریف مواضع ملی و تاکتیک‌های روانی برای جبران شکست‌هایش استفاده کند.

بازخوانی مصاحبه شهید حاجی‌زاده با کیهان

حاج قاسم می‌گفت سازش با آمریکا مشکلی را حل نمی‌کند

سرویس سیاسی-

فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطرح کرده بود: حاج قاسم مخالف دیپلماسی نبود. مخالف آن چیزی که در سطح کشور تأیید شده و تصویب شده نبود. در واقع نه موافق بود و نه مخالف. ایشان مخالف وابستگی و سازش بود. می‌گفت: از این طریق به جایی نمی‌رسید.

در تاریخ ۲۲ دی ۱۴۰۰، روزنامه کیهان گفت‌وگویی با سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، منتشر کرد. در این مطلب، بخش‌هایی از این گفت‌وگو به مناسبت چهلمین روز شهادت سردار حاجی‌زاده مجددا منتشر شده است.

۲۲ دی ۱۴۰۰ و در ایام دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی فرصتی فراهم شد تا با سردار حاجی‌زاده، فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه به گفت‌وگو بنشینیم و شنوای روایت او درباره شخصیت و نقش سردار دل‌ها در میدان مقاومت باشیم.

حاج قاسم در بالاترین مراتب ولایت‌مداری بود

سردار حاجی‌زاده، فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بخشی از مصاحبه با اشاره به ولایتمداری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی گفت: از دید من آن چیزی که در ویژگی‌های ایشان برجسته بود و قله این ویژگی‌ها بود که در واقع نقش هدایتگر را دارد قله ولایت‌مداری بود. ولایت‌مداری مراتب دارد. ایشان در بالاترین مراتب ولایت‌مداری بود. موقعی که رهبر انقلاب به مسئولی مطلبی را می‌فرماید. مثلا من علاقه‌مند و عاشق آن چیزی هستم که ایشان گفت مثلا افزایش تعداد موشک‌ها، من خودم هم علاقه‌مند هستم. عمل به این ولایت‌مداری تلقی می‌شود ولی در چه مرتبه‌ای هست؟ یک موقع امر ولایت بر این است که این کار را انجام دهید من نظرم چیز دیگری هست. آن کار را انجام می‌دهم اما به‌عنوان دستور! چنان‌که بعضی از مسئولین هم می‌گویند نظر ما چیز دیگری بود چون ایشان دستور دادند ما انجام دادیم. این هم ولایت‌مداری هست ولی مرتبه‌ای دارد...

وی افزود: برای حاج قاسم مرتبه‌ای بالاتر است. موقعی رهبری به شما می‌گوید این کار را انجام دهید تا قبل از آن نظر شما چیز دیگری هست ولی بعد از امر ولایت با عشق آن کار را انجام می‌دهید. این مرتبه بالایی از ولایت‌مداری است. در سه موردی که گفتیم ایشان مرتبه سوم و بالاتر را داشت و ما بارها در موضوعات مختلف دیدیم چون موضوعات کاری موضوعات اختلافی هستند بعضی اوقات مثلاً طرح، برنامه، اقدام و کاری هست در جلسه مطرح و بحث می‌شود یک موقع طرف اجماع و قبول می‌کند یک موقع طرف مخالفت شدید دارد و در جلسه می‌جنگند. در جلسه مواردی را داشتیم که حاج قاسم مخالف صد درصد موضوعی بود ولی موقعی که معلوم می‌شد نظر رهبر معظم انقلاب چیز دیگری است از آن لحظه به بعد نظر خود را کنار می‌گذاشت. این یک ویژگی برجسته حاج قاسم بود. اینکه می‌گویید بعضی‌ها تفسیر، تعبیر و مصادره می‌کنند، اخلاق و مدیریت، تیزبینی خوب است و خیلی‌ها هم دارند ولی قاسم نمی‌شوند. نقطه برجسته این است که انسان امر ولی را عمل کند.

فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به حضور در سوریه تصریح کرد: خیلی‌ها بر اثر تبلیغات مسموم می‌گفتند چرا ایشان پول‌های ما را به خارج می‌برد؟ برای چه به‌زعم آنها از یک دیکتاتور حمایت می‌کند؟ اصلاً به ما چه ربطی دارد باید به سوریه برویم؟ مگر شعار نه غزه و نه لبنان را یادمان رفته؟ یکی از چیزهایی که حاج قاسم را برجسته کرد تفاوت بین جهاد ۲۰ سال اخیر با جنگ ۸ ساله بود. در جنگ ۸ ساله اگر کسی به جبهه می‌رفت نمی‌گفتند برای چه می‌روی؟ به هیچ فرمانده و رزمنده‌ای این را نگفتند. کسی که نمی‌خواست برود توجیه می‌کرد مثلا سنگر دانشگاه و مدرسه را دارم. خودش را توجیه می‌کرد. اما هیچ‌کس نمی‌گفت پولها را برای چه آنجا می‌برید خرج می‌کنید. هیچ‌کس راجع به اصل جنگ ابهام نداشت ولی در این ۲۰ سال اخیر تفاوت‌ها خیلی زیاد بود.

پس از شهادت حاج قاسم همه دشمنی دشمنان را جدّی‌تر از قبل تلقی کردند

وی افزود: اولاً جهاد در غربت، مظلومیت، نابرابری و فتنه بود. حتی دولت‌های دهم، یازدهم و دوازدهم می‌گفتند ما این مسائل را قبول نداریم. یعنی داخلی‌ها هم حمله می‌کردند. در زمان جنگ امام فرموده بود واجب کفایی است. ولی در جنگ با تروریست‌ها در عراق و سوریه به قدری تبلیغات سنگین بر علیه ایران بود که محدودیت وجود داشت و حاج قاسم نمی‌توانست نیروهای ایرانی را به‌کار بگیرد. و نکته دیگر اینکه در جمع بازیگران فراوان در منطقه بود. در این شرایط به آنجا رفت و در اوج مظلومیت می‌جنگید. جنگ سوریه که شروع شد حتی عده‌ای از مجاهدین فلسطینی که ما این همه سال از آنها حمایت کردیم در مقابل دولت سوریه قرار گرفتند. سال‌ها طول کشید تا دوباره جهت را اصلاح کردند و برگشتند.

❖ نوع نگاه حاج قاسم صرف مسائل نظامی نبود. عمران و آبادانی و مسائل اقتصادی هم بود. به‌خاطر این که مردم در آسایش زندگی کنند و مشکلات به حداقل برسد. این خیلی او را نگران می‌کرد.

فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین ابراز کرد: ما از قدیم دشمنی دشمنان را داشته‌ایم و همواره بوده است. شهادت حاج قاسم طبیعتاً روی انگیزه بچه‌ها بیشتر تأثیر گذاشت و تلاش‌ها بیشتر شد. همه دشمنی دشمنان را جدّی‌تر از قبل تلقی کردند و فعالیت‌ها ادامه پیدا کرد. امروز هم به لطف الهی در حوزه‌های مختلف قدرتمند شده‌ایم. من می‌خواهم از گفته‌های دشمنان استفاده کنم نه اینکه ما تحلیل کنیم. یک روزی می‌گفتند مسئله هسته‌ای اولویت ما است. بعد کم‌کم گفتند اولویت مقابله با موشکی ایران مهم‌تر از هسته‌ای شده است. مقامات آمریکایی این را گفتند. این به‌خاطر آن است که دیدند دقت‌ها بالا رفته، کیفیت‌ها و کمیت‌ها تغییر کرده، شرایط متفاوت شده است. چند ماه هست که می‌گویند نگران پهپادهای ایرانی هستیم و پهپادهای ایرانی برتری هوائی ما را بعد از ۷۰ سال گرفته است. این را مکنزی گفت.

سردار حاجی زاده ادامه داد: اینها نشان می‌دهد کار شده است و ما در گذشته متوقف نشده‌ایم، جلو رفته‌ایم. به ۲۰۰ سال تاریخ کشور ما نگاه کنید که چه بخش‌هایی از کشور جدا شدند. چه جنگ‌هایی تحمیل شد. چقدر از ما کشته گرفتند. چند میلیون نفر به‌خاطر گرسنگی که بر مردم تحمیل شد از بین رفتند. تجربه بعد از دوران جنگ به این‌گونه است ایده همه بزرگان این بود که ما باید قوی باشیم. رهبری دائماً تأکید می‌فرماید باید قوی باشیم. تاریخ نباید دوباره تکرار شود. دوباره نباید آسیب ببینیم و امنیت به خطر بیفتد. این مسیر ادامه دارد و محکم جلو می‌رویم.

در حمله به عین الاسد، نیروهای تا دندان مسلح آمریکایی فقط توانسته بودند به بیابان‌های اطراف پایگاه پناه ببرند

وی با اشاره به حمله موشکی به عین الاسد مطرح کرد:راجع به عین‌الاسد قبلاً صحبت شده است ولی چیزی که با بیان قابل انتقال نیست دیدن صحنه‌هایی بود که انسان اوج ذلت یک ابرقدرت را به چشم خود می‌دید: بزرگ‌ترین ارتش جهان، بزرگ‌ترین فرماندهی منطقه‌ای (سنتکام)، بزرگ‌ترین پایگاه هوائی غرب آسیا (عین‌الاسد) توسط ضربات موشکی جبهه اسلام در هر لحظه یک نقطه‌ای را نابود می‌کرد و نیروهای تا دندان مسلح آمریکایی فقط توانسته بودند به بیابان‌های اطراف پایگاه پناه ببرند. آنها از آسمان نگران موشک‌ها بودند، از زمین نگران خشم نیروهای محور مقاومت عراقی و حمله زمینی به پایگاه.

فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افزود: یک لحظه هم حال خلبان و کروی پروازی هواپیمای سی ۱۳۰ توپدار آمریکایی که در ارتفاع پایین وظیفه مراقبت از نیروهای پراکنده شده در بیابان‌های اطراف پایگاه عین‌الاسد را نمی‌توان درک کرد، در عین حال که نظاره‌گر اصابت موشک‌ها بود، می‌بایست گشت هوائی و مراقبت از نیروهای آواره در بیابان را انجام می‌داد، هرچند با اولین اصابت آنجا را ترک کرد ولی تحمل یک لحظه هم برای ارتشی که همواره در شرایط بی‌خطر جنگیده قابل تحمل نیست.

❖ حاج قاسم مخالف دیپلماسی نبود. مخالف آن چیزی که در سطح کشور تأیید شده و تصویب شده نبود. در واقع نه موافق بود و نه مخالف. ایشان مخالف وابستگی و سازش بود. می‌گفت: از این طریق به جایی نمی‌رسید. در آن جلسه حاج قاسم با آقای روحانی خیلی صریح حرف زد.

فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عنوان کرد: اگر بدون پشتوانه بخواهید پشت میز مذاکره بنشینید فقط اینکه خوب حرف بزنید می‌توان امتیاز گرفت؟ نه، زمانی می‌توانید امتیاز بگیرید که به پشتوانه قدرتی حرف بزنید و چیزی داشته باشید، موقعی که نداشته باشید چه می‌خواهید بگویید؟

سردار حاجی‌زاده در پایان ابراز کرد: بعضی‌ها می‌گویند حاج قاسم گرایش سیاسی داشت. اما همه چیز ایشان ذوب در ولایت بود. اگر می‌دیدید پیش‌هاشمی و روحانی می‌رفت، یا اینکه می‌گفت: تمام دختران ایران دختران من هستند فارغ از اینکه حجاب‌شان خوب یا بد است، اگر کسی در بحث سیاسی تعریضی داشت، می‌گفت: باید اینها را زیر چتر انقلاب بیاوریم. اصلاً این‌گونه نبود که بگوییم گرایش او این جور بود. اگر کسی انقلابی نباشد و روحیه سازش کاری داشته باشد هیچ موقع زیر گلوله تهمت و فشار و شرایط سخت نمی‌رود. اصلاً این دو با هم جمع نمی‌شوند.

سردار شهید حاجی زاده عنوان کرد: آنچه من در صحبت‌ها و مسائلی که ذهن ایشان(حاج قاسم) را مشغول کرده بود می‌دیدم مردم بود. مشکلات اقتصادی و محرومیت‌ها و مشکلاتی که دارند. در مقاطعی تصوّر ایشان این بود که از کار نظامی جدا شود قبل از اینکه به قدس برود. او گفت: اگر منطقه‌ای را به من بسپارند روی بحث آبادانی آن کار می‌کنم. از دولت بودجه هم نمی‌خواهم. مثلاً استان کرمان نه تنها نباید از دولت بودجه بگیرد بلکه باید به دولت مرکزی کمک هم کند چون به اندازه کافی مستعد هست. نوع نگاه ایشان صرف مسائل نظامی نبود. عمران و آبادانی و مسائل اقتصادی به‌خاطر این بود که مردم در آسایش زندگی کنند و مشکلات به حداقل برسد. این خیلی او را نگران می‌کرد.

وی همچنین با اشاره به اینکه اشتباه برخی که شهید سلیمانی را موافق برجام می‌دانند اظهار داشت: اگر واقعاً چنین بود، چرا آقای ظریف در آن فایل صوتی گفتند ایشان به مسئله دیپلماسی ضربه زده است. دیپلماسی ما برجام بود. خود فرمانده دیپلماسی ما می‌گوید ضربه زده است. در دولت دوم آقای روحانی جلسه‌ای با او گرفتیم. سردار جعفری فرمانده کل سپاه بود. حاج قاسم سلیمانی بود. بنده بودم. چند نفری به آنجا رفتیم. آن جلسه برای چه بود؟ جلسه خیلی صریح و تند بود. حاج قاسم مخالف دیپلماسی نبود. مخالف آن چیزی که در سطح کشور تأیید شده و تصویب شده نبود. در واقع نه موافق بود و نه مخالف. ایشان مخالف وابستگی و سازش بود. می‌گفت: از این طریق به جایی نمی‌رسید. در آن جلسه حاج قاسم با آقای روحانی خیلی صریح حرف زد.

دفاع از انقلاب و ملت و نظام و رهبری خط قرمز ما است

فرمانده فقید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عنوان کرد: در جلسه‌ای که رفتیم اتفاقاً برای همین موضوع بود. اگر یادتان باشد رهبری صحبتی می‌کرد هفته بعد آقای روحانی موضع می‌گرفت، سپاه را تخریب می‌کرد، هر روز به خودی‌ها حمله می‌کرد. در آن جلسه که ما رفتیم پیام جلسه این بود و همه این را گفتیم که آقای روحانی ما کمک شما هستیم. آدم نباید خودزنی کند. ما توان و امکانی داریم می‌خواهیم به دولت شما کمک کنیم. برای ما مهم نیست کدام دولت باشد هر دولتی باشد وظیفه می‌دانیم کمک کنیم. دیدید در بحران‌هایی که پیش آمد مانند سیل و زلزله و مسائل مختلف واقعاً سپاه پای کار بود. آدم نیروی خودش را نمی‌زند؛ این چه حرفی است که شما می‌زنید! بعد هم گفتیم اگر این حرفها را بزنید برای ما قابل تحمل نیست. شما هر روز مخالفتی می‌کنید. دفاع از انقلاب و ملت و نظام و رهبری خط قرمز ما است فکر نکن همیشه می‌توانی این حرف را بزنی ما هم سکوت کنیم.

سردار حاجی‌زاده در پاسخ به اینکه حاج قاسم هم همین تحلیل را داش